

۹ ایده برتر جایزه جهانی WIPO 2024

فرهیختگان



دکتر طهرانچی:

دانشگاه آزاد باید گره‌گشای زندگی مردم باشد



هزینه ۱۹ آزمون دانشگاهی ۳۹ درصد افزایش یافت
بامصوبه هیأت وزیران

درآمد هزار میلیاردی سنجش از ۳ آزمون

بی‌مهری آموزش عالی

به سفیران فرهنگ دفاع مقدس



اعظم آهنگرسله بی‌عسویت‌الملی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دکتر طهرانچی:

دانشگاه آزاد باید گره‌گشای زندگی مردم باشد

دکتر محمد مهدی طهرانچی با شهرداران شهرهای علی‌آبادکتول، کردکوی، بندرگز و آزادشهر در محل دانشگاه آزاد واحد گرگان دیدار و گفت‌وگو کرد. رئیس دانشگاه آزاد در این دیدار با بیان اینکه زمانی دانشگاه آزاد سطح دانش جامعه را بالا برد، اظهار کرد: «امروز یکی از افتخارات دانشگاه آزاد تربیت بسیاری از مدیران عرصه‌های گوناگون کشور خصوصاً مدیریت شهری است.» وی معتقد است اینکه بتوان با نگاه علمی شهر را مدیریت کرد، نکته مهمی است و شهرداری می‌تواند از دانشگاه استفاده کند که خود با علم آشنا باشد. دکتر طهرانچی تصریح کرد: «ما با در نظر گرفتن مسائل مختلف کشور رویکرد دانشگاه را تغییر دادیم. صنعت ساختمان و زیست‌بوم یکی از موضوعات جدی کشور است که مجموعه‌ای از کتس‌ها در آن جا می‌گیرد. به همین واسطه دانشگاه تصمیم بر تأسیس این دانشکده‌ها گرفت. تخصصی کردن موضوعات مثل تعریف محیط‌زیست به عنوان یک سرزمین بدون کتس انسانی یکی از آفت‌های امروز جامعه است، درحالی‌که محیط‌زیست با انسان در تعامل مستقیم است. لذا این نوع نگاه نتایج زیان‌باری را به دنبال داشت.» رئیس دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: «مسائل شهرداری انسان مدار، پیچیده، چندوجهی، مرتبط، سریع‌التغییر و متأثر از عوامل بیرونی است. مسائل شهر دیگر فقط به اتفاقات آن شهر مربوط نمی‌شود بلکه مجموعه اتفاقات در نقاط مختلف دنیا در مدیریت شهری ما نیز موثر است.»

دکتر طهرانچی عنوان کرد: «دانشگاه متعلق به مردم است و باید بتواند در شهرها گره‌گشای زندگی آنها باشد. چه کسی اولی‌تر از دانشگاه آزاد که با سرمایه مردمی به وجود آمده است؟ امروز حل مساله باید یکی از جدی‌ترین اقدامات امروز دانشگاه باشد. زیست‌معنوی و مادی بهتر مردم از اهداف اصلی دانشگاه برای انجام این اقدامات است.» عضو هیات امنای دانشگاه آزاد با بیان اینکه دانشگاه آزاد یک شبکه است، گفت: «هر واحد دانشگاهی موظف است بتواند تمامی امکانات شبکه کنونی را در خدمت حل مساله بسنجد.»

در ادامه این نشست تفاهنامه همکاری‌های دو جانبه میان دانشگاه آزاد استان گلستان و شهرداری‌های این استان با حضور دکتر محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد و سید علی طاهری، رئیس دانشگاه آزاد استان گلستان به امضای طرفین رسید. بهره‌برداری‌های

علمی و پژوهشی متقابل، انجام پروژه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی، گسترش ظرفیت‌های پژوهشی و توسعه علوم جدید، اصلاح زیرساخت‌ها و امکانات شهری و اصلاح سیستم حمل‌ونقل شهری از مهم‌ترین محورهای این تفاهنامه همکاری است.

اولین برداشت میگو وانامی دانشگاه آزاد گلستان

رئیس دانشگاه آزاد صبح امروز در سفر به استان گلستان، از سایت پرورش میگو وانامی دانشگاه آزاد استان گلستان بازدید کرد. در این بازدید اولین برداشت میگو وانامی دانشگاه آزاد استان گلستان انجام شد. پروژه پرورش میگو وانامی دانشگاه آزاد استان گلستان با همکاری مرکز تحقیقات آب‌های داخلی گرگان در مزرعه‌ای به مساحت ۵ هکتار راه‌اندازی شده و ظرفیت راه‌سازی صد هزار قطعه بیجه میگو در هر هکتار را دارد. لازم به ذکر است یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مزرعه، استفاده از سیستم آکواریومی برای کاهش میزان مصرف غذای میگو است.

بازدید دکتر طهرانچی از سایت ۵ هکتاری نهالستان آزادشهر

دکتر محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در ادامه برنامه‌های سفر به استان گلستان، با حضور در واحد آزادشهر از سایت نهالستان و کارگاه آبی‌پروری زیست‌رشد این واحد بازدید کرد. سایت ۵ هکتاری نهالستان آزادشهر در زمستان ۱۴۰۲ با کاشت ۱۴ نوع نهال از درختان شمر و غیر شمر در دانشگاه آزاد واحد آزادشهر راه‌اندازی شد. در این نهالستان که در مجموعه سرای نوآوری صنایع تبدیلی واحد آزادشهر راه‌اندازی شده، انواع ارقام نهال‌های خرمالو، زردآلو، آلبالو، هلو، به، آلو، انجیر گلرگه، انار ساوه، صنوبر تبریز و زیتون تلخ کشت شده است و پس از پیوند پایه‌های کشت شده، تنوع ارقام به بیش از ۲۰ رقم خواهد رسید.

دکتر طهرانچی همچنین از کارگاه آبی‌پروری زیست‌رشد واحد آزادشهر نیز بازدید و با مسئولان آن گفت‌وگو کرد. لازم به ذکر است روش جدید پرورش ماهی در سیکل بسته (بایوفلاک) که مدل آزمایشگاهی آن با موفقیت در واحد آزادشهر اجرایی شد، به صورت نیمه‌صنعتی و صنعتی در کارگاه آبی‌پروری آغاز شده و در آبان ماه عملیاتی خواهد شد.

کتاب «رساناس ایران» دانشگاه ملی ایران و شاه‌العباد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل‌گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی‌شیرازی، موسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهیختگان» از اوایل مردادماه بخش‌های مختلف آن را منتشر کرده که اکنون بخش دیگری از آن را می‌خوانید.

علاوه‌آورد و از اظهارات اولیه‌اش معلوم بود از کارهای منقطع است. گفت‌شنیده‌ام دفتری برای دانشگاهی که می‌خواهید تأسیس کنید تشکیل داده‌اید و این کار صحیحی نیست، بهتر بود اول وضع دانشگاه را روشن می‌کردید و اگر واقعاً تأسیس شد دفتر را تشکیل می‌دادید، در حال حاضر دفتر کدام دانشگاه است؟ باز رنگ جواب داد: «برای جنبه‌عالی آقای نخست‌وزیر و سایر آقایانی که این چند ماه ملاقات کرده‌ام، حس می‌کنم مطلب جدی تلقی نشده و تصور می‌فرمایید من خوشحالم که هر چند هفته یک‌بار چند دقیقه با چند ساعتی مزاحم شوم و پس از فیض ملاقات بروم دنبال کارم. پس از مدتی با هم تقاضا کنیم یا شماها بگویید فلان کار برای تو در نظر گرفته شده و از فکر دانشگاه منصرف شو، در صورتی که اگر واقعاً این طور فهمیده‌اید به کلی اشتهاء کرده‌اید. من تصمیم قطع دارم دانشگاه را تأسیس کنم. اگر مانع شدید می‌روم به یک مملکت خارجی که راهم بدهند، بلاخص ممالک عربی مجاور ایران یا همان آمریکا و به ایجاد دانشگاهی می‌پردازم و هیچ‌گونه زحمتی برای دولت ایران و هیچ‌کدام شماها نخواهم داشت. فکر می‌کردم لاف‌تأسیس دفتر را به من تریک خواهید گفت. حال می‌بینم شما گله دارید که با سرمایه خود می‌صرف تمام وقت و انرژی خودم و بدون چشمداشت به احدی چرا دفتر دانشگاه را تأسیس کرده‌ام؟»

علاوه‌چون خود را در برابر حرف جدی و منطقی دید به مسک هم‌کسانی که آنها در ایران رجال مملکت نامیده می‌شدند (در حال حاضر رجال مملکت یعنی یک عده امریر در سطح پیشخدمت‌های کافه رستوران‌ها)، جاز و لحن سخن را تغییر داد و گفت هر کاری که به نظران می‌رسد بگویید تا اقدام کنیم. گفتیم چون می‌خواهیم دانشگاه را با دو دانشکده بانکداری و علوم مالی، اقتصادی و معماری شروع کنیم و در حال حاضر به علت تأسیس بانک‌های خصوصی در ایران احتیاج مبرم به متخصص در تمام سطوح برای اداره بانک‌ها احساس می‌شود و بانک‌های دولتی هم به علت تأسیس بانک‌های خصوصی عده زیادی از کارمندان خود را از دست داده‌اند از تمام مدیران بانک‌ها هم از دولتی و خصوصی دعوت کنید بیایند دربار و به آنها بگویید به حسب مراتب‌شان کمک‌مادی بکنند تا دانشکده بانکداری و علوم مالی و اقتصادی برای آنها کارمند تربیت کنند. همچنین وزارت دارایی احتیاج مبرم به متخصصان امور مالی دارد و هنوز دفتر حساب مملکت به سبک قدیم نوشته می‌شود

رساناس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

ماجرای نخستین دیدار رؤسای دانشگاه تهران و ملی

«من حاضر سه میلیون تومان در اختیار شما بگذارم که همین دانشکده موجود هنرهای زیبایی دانشگاه تهران را تکمیل کنید و کادر تعلیمی وجود ندارد. راجع به دانشکده بانکداری و علوم مالی و اقتصادی هم ما رشته اقتصاد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی داریم و چند سال است یک دانشیار اقتصاد می‌خواهیم استخدام کنیم، پیدا نکردیم. چطور می‌شود یک دانشکده برای اقتصاد تأسیس کرد. کار علمی و اداری برای شما در دانشگاه تهران موجود است، چرا وقت خودتان را صرف کاری می‌کنید که انجام آن نه لازم و نه ممکن است.» باجمله لاف‌تأسیس مخالفت خواست، مراهی کلی از تأسیس دانشگاه ملی منصرف و مأمور شد. دیدم اطلاع کلام با این مرد، آهن سرد کوبیدن است، سعی کردم به او بفهمانم دیدار خیرانه دانشگاه ملی را تأسیس شده فکر کند و قصد مراهی از ملاقات، احترام به او و اینکه لاف‌تأسیس نکند، بپردازد. پس از ملاقات فرهاد از آیه پاس خواندن خلاف واقع‌گویی و بلوف و قطع‌ان‌وزیران شد. من لکن از اینکه حس کردم زنجیر محکمی به گردنم بسته‌اند سخت پشیمان شدم. چون دیدم این جمع پر از کینه‌ها هیچ‌کار مثبتی انجام نمی‌دهند و اکثر باهم دشمنان پشت‌پرده برای جلوگیری از کار من چندر متحد و یک‌صد می‌باشند. شاید فرهاد نمی‌دانست من اطلاع دارم بیش از ۱۵ نفر از پیشکسوتان باسوادتر و هنرمندتر از من هستند محسن فروغی، رئیس وقت دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران آمده و عاشق تدریس و اشتغال به کارهای معماری و شهرسازی هستند و فوری حتی مجال و شانس ساختن یک عمارت یا تدریس در دانشگاه را به آنها نمی‌دهند. درحالی‌که خودش به جهت دزدی در کار ساختمان و به خصوص عمارت مجلس سنا با عزیز محشمتی و کیانی مدیران شرکت مقاطعه‌کاری سیوند و سایر همکاران راهی زندان و تحت تعقیب جزایی هستند و کوس رسوایی این آقای رئیس دانشکده که فرهاد می‌گوید نتوانسته است همکار صاحب صلاحیت پیدا کند را بر سر بازار زده‌اند. اصولاً فروغی را کسی به عنوان استاد قبول ندارد و مرص منحصر به فرساختن‌ها و معاملات ساختمانی دولت است. استاد کرسی اقتصاد دانشکده حقوق هم که فرهاد می‌گوید نتوانسته نفر دانشیار ذی صلاحیت پیدا کند دکتر حسین پیرنیا است که از اقتصاد به عنوان یک علم یا میکرواکنومی اطلاعی ندارد و تاریخ عقاید اقتصادی تدریس می‌کند و عده‌ای از بورژوازی‌های خودمان نظیر شریف‌الدین سلطانی و دکتر عباس قزلباش و... مشغول ترجمه کتبی هستند که بعدها به نام او چاپ شود. لاف‌تأسیس درجه اول اقتصاد داریم که اگر تدریس کنند فهم مطالب آنها برای پیرنیا بسیار مشکل است، چگونه اینها حاضر به دانشیاری پیرنیا باشند؟! ذات ناپاخته‌ای هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

ادامه دارد

بخش سی و هفتم

رساناس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

ماجرای نخستین دیدار رؤسای دانشگاه تهران و ملی

«من حاضر سه میلیون تومان در اختیار شما بگذارم که همین دانشکده موجود هنرهای زیبایی دانشگاه تهران را تکمیل کنید و کادر تعلیمی وجود ندارد. راجع به دانشکده بانکداری و علوم مالی و اقتصادی هم ما رشته اقتصاد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی داریم و چند سال است یک دانشیار اقتصاد می‌خواهیم استخدام کنیم، پیدا نکردیم. چطور می‌شود یک دانشکده برای اقتصاد تأسیس کرد. کار علمی و اداری برای شما در دانشگاه تهران موجود است، چرا وقت خودتان را صرف کاری می‌کنید که انجام آن نه لازم و نه ممکن است.» باجمله لاف‌تأسیس مخالفت خواست، مراهی کلی از تأسیس دانشگاه ملی منصرف و مأمور شد. دیدم اطلاع کلام با این مرد، آهن سرد کوبیدن است، سعی کردم به او بفهمانم دیدار خیرانه دانشگاه ملی را تأسیس شده فکر کند و قصد مراهی از ملاقات، احترام به او و اینکه لاف‌تأسیس نکند، بپردازد. پس از ملاقات فرهاد از آیه پاس خواندن خلاف واقع‌گویی و بلوف و قطع‌ان‌وزیران شد. من لکن از اینکه حس کردم زنجیر محکمی به گردنم بسته‌اند سخت پشیمان شدم. چون دیدم این جمع پر از کینه‌ها هیچ‌کار مثبتی انجام نمی‌دهند و اکثر باهم دشمنان پشت‌پرده برای جلوگیری از کار من چندر متحد و یک‌صد می‌باشند. شاید فرهاد نمی‌دانست من اطلاع دارم بیش از ۱۵ نفر از پیشکسوتان باسوادتر و هنرمندتر از من هستند محسن فروغی، رئیس وقت دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران آمده و عاشق تدریس و اشتغال به کارهای معماری و شهرسازی هستند و فوری حتی مجال و شانس ساختن یک عمارت یا تدریس در دانشگاه را به آنها نمی‌دهند. درحالی‌که خودش به جهت دزدی در کار ساختمان و به خصوص عمارت مجلس سنا با عزیز محشمتی و کیانی مدیران شرکت مقاطعه‌کاری سیوند و سایر همکاران راهی زندان و تحت تعقیب جزایی هستند و کوس رسوایی این آقای رئیس دانشکده که فرهاد می‌گوید نتوانسته است همکار صاحب صلاحیت پیدا کند را بر سر بازار زده‌اند. اصولاً فروغی را کسی به عنوان استاد قبول ندارد و مرص منحصر به فرساختن‌ها و معاملات ساختمانی دولت است. استاد کرسی اقتصاد دانشکده حقوق هم که فرهاد می‌گوید نتوانسته نفر دانشیار ذی صلاحیت پیدا کند دکتر حسین پیرنیا است که از اقتصاد به عنوان یک علم یا میکرواکنومی اطلاعی ندارد و تاریخ عقاید اقتصادی تدریس می‌کند و عده‌ای از بورژوازی‌های خودمان نظیر شریف‌الدین سلطانی و دکتر عباس قزلباش و... مشغول ترجمه کتبی هستند که بعدها به نام او چاپ شود. لاف‌تأسیس درجه اول اقتصاد داریم که اگر تدریس کنند فهم مطالب آنها برای پیرنیا بسیار مشکل است، چگونه اینها حاضر به دانشیاری پیرنیا باشند؟! ذات ناپاخته‌ای هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

ادامه دارد